



کمال خرازی، مشاور رهبر انقلاب در مجمع گفت‌وگوی تهران با حضور دیپلمات‌های خارجی:

ایران توانایی ساخت بمب اتم را دارد ولی به دلایلی قصد تولید آن را نداریم

بمب بازدارندگی اتمی

امیر عبداللهیان: آمریکا بین ریاکاری درباره حمایت از ناامنی در ایران و درخواست برای رسیدن به توافق هسته‌ای یکی را انتخاب کند



ایران و اتحادیه اروپایی در اردن گفت‌وگو می‌کنند مذاکره در امان

نظم جدید جهانی؛ محور سیاست‌گذاری‌های جدید منطقه‌ای در غرب آسیا

و حالا معلوم نیست اگر کشورهای منطقه برنامه‌ای برای حضور و نقش‌آفرینی فعال در نظم جدید جهانی نداشته باشند، کدام کشور به قربانی نظم جدید جهانی تبدیل خواهد شد.

تکنه محوری دیگر در سخنرانی‌های تخصصی نشست بعدازظهر مجمع گفت‌وگوهای تهران، اشاره نمایندگان تعدادی از اندیشکده‌های غربی به ماجرای تلاش عربستان و کشورهای عرب منطقه برای تأمین امنیت خود با برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی بود. کارشناسان بر این عقیده بودند «رژیم صهیونیستی منبع اولیه تولید چالش امنیتی در منطقه برای تمام کشورهای بوده و هست» و نمی‌توان انتظار داشت منبع تولید چالش، بتواند تضمین‌کننده امنیت تعدادی از کشورهای باشد که به دلایل امنیتی خواهان ایجاد رابطه با اسرائیل هستند. همان‌طور که از پیش نیز بارها در رسانه‌های بین‌المللی ذکر شده بود، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی، آن هم زمانی که این رژیم در مسائل داخلی به سمت فاشیسم و آپارتاید پیش می‌رود و در خارج از مرزهای اشغالی نیز به دنبال تفرقه‌افکنی برای ادامه حیات نامشروع خود است، نمی‌تواند امنیت مدنظر کشورهای منطقه را تأمین کند. کشورهای جمهوری آمریکا به سمت عادی‌سازی روابط خود با رژیم صهیونیستی بروند و به گونه‌ای این روابط را برنامه‌ریزی و تنظیم کنند که هیچ توجیهی به مساله فلسطین و نوع مواجهه و رویارویی ارتش اشغالگر صهیونیستی با مردم در غزه و کرانه باختری یا حتی داخل سرزمین‌های اشغالی نداشته باشند. این مسائل شاید در وهله فعلی بتواند برخی منافع سیاسی دولت‌ها در منطقه را تأمین کند اما در درازمدت به احتمال زیاد با رویارویی مردم با همین دولت‌ها ختم خواهد شد؛ مساله‌ای که بروز و ظهور آن در جام جهانی ۲۰۲۲ قطر بخوبی نمایان شد.

برای این کشورها در طول دوره جهش خود، تکیه بر چندجانبه‌گرایی و پس‌زندن هرگونه یک‌جانبه‌گرایی در عرصه بین‌الملل باشد.

وزیر خارجه نیکاراگوئه که کشور خود را همسایه و دوست ایران - با وجود فاصله جغرافیایی زیاد - می‌دانست نیز تأکید کرد دنیا به صورت واقعی در انتظار نظم جدید جهانی است و نظم فعلی تنها به خاطر زیاده‌خواهی‌های غرب و از کار انداختن عملکرد موجودیت بی‌طرف سازمان ملل زیر سؤال رفته است. وی معتقد است اگر جامعه بین‌الملل و سازمان ملل می‌توانستند به وظایف خود عمل کنند و به بازچهار کردن در دستار آمریکا تبدیل نمی‌شدند، حالا دنیا به دنبال نظم جدید نبود.

وی بیشتر هم گفت و اشاره کرد ماجرای افول آمریکا، امری بدیهی و محرز است و کشورهای مختلف در تمام نقاط دنیا باید در انتظار ایجاد نظم جدید در دنیا باشند؛ نظمی که این بار بیشتر منطقه‌ای است تا جهانی و باعث بروز و ظهور قدرت‌های منطقه‌ای فراوانی در اقصی نقاط دنیا می‌شود.

با این حال سؤال جالب توجهی که نماینده یک اندیشکده اردنی در این جلسه بیان کرد، این بود آیا منطقه غرب آسیا آمادگی مواجهه با نظم جدید جهانی را دارد؟ و آیا برنامه‌ای برای ادامه حیات در این نظم جدید دارد؟ وی با اشاره به اتفاقاتی که در هر دوره گذار به نظم جدید بین‌المللی برای کشورهای منطقه افتاده است، گفت در هر دوره جدید، به یکی از کشورهای منطقه حمله نظامی شد. در دوران گذار از جنگ دوم جهانی و آغاز شکل‌گیری نظم دوقطبی در جهان، اسرائیل دست‌دراز به سرزمین‌های فلسطینیان را با حمایت کشورهای غربی بویژه انگلستان آغاز کرد و با گذر از جنگ سرد و رسیدن به نظام تک‌قطبی به ریاست ایالات‌متحده، عراق تحت اشغال قرار گرفت

در محیط بین‌الملل بی‌فرازد ولی مورد سوم در طول چند قرن گذشته نشان داده جز جنگ و خونریزی و استعمار با خود نتیجه دیگری همراه نداشته است. بر این مبنا کشورهای منطقه باید با ایجاد گفت‌وگو مستقیم و بدون واسطه با یکدیگر، زمینه درک مسائل بین‌المللی، سعی در درک یکدیگر با تمام ویژگی‌های قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی‌شان داشته باشند. از همین رو بود که نمایندگان اندیشکده‌های مختلف در منطقه، از ایران و عربستان خواستند اختلافات خود را با مذاکره مستقیم و بدون واسطه‌گری اروپا یا آمریکا کنار بگذارند و اجازه ندهند کشورهای غربی بهانه‌ای برای اختلاف‌افکنی در منطقه داشته باشند. مذاکره غیرمستقیم، مشکلی است که باعث شده کشورهایمانند آمریکا همچنان حق خود بدانند در منطقه حضور داشته و در هر برهه زمانی، به لشکر کشی به منطقه غرب آسیا به عنوان یک گزینه «غیر قابل اجتناب و منطقی» بیندیشند.

«عادل عبدالمهدی»، نخست‌وزیر پیشین عراق به مساله جالب توجهی در وضعیت فعلی جامعه جهانی و آینده نظم جدید اشاره کرد و آن تغییر و انتقال مرکز ثقل جهانی به سمت کشورهای است که خود در طول تاریخ مستعمره دیگر کشورهای غربی و اروپایی بوده‌اند. وی در این باره از هندوستان، برزیل، چین، ایران، مصر و عراق یاد کرد که با گذر زمان توانسته‌اند از کشورهای استعمار شده، به کشورهای تبدیل شوند که حالا می‌توانند با صراحت بگویند در مرکز ثقل جهان و امور بین‌المللی قرار دارند. این کشورها بر این اساس سعی می‌کنند با ایجاد سازمان‌های همکاری‌های اقتصادی و سیاسی مانند شانگهای و بریکس، خود را به قدرت‌های نوظهور اقتصادی و حتی سیاسی و نظامی تبدیل کنند. بر این اساس به نظر می‌رسد تنها راه رسیدن به امنیت

و مصر و افغانستان و اردن، بر این عقیده بودند نظم جدید جهان که مبتنی بر نظامی چندقطبی است، مدتی است شکل گرفته و در حال نمایش دادن خود در عرصه جهانی است. با وجود اینکه اختلاف‌نظرهایی در بین سخنرانان درباره میزان ظهور این نظم جدید در منطقه وجود داشت اما تقریباً همگی بر این عقیده بودند کشورهای منطقه باید خود را برای این نظم جدید آماده کنند.

برخی صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند نظم جدید، فرصت‌های بی‌بدیلی در اختیار کشورهای منطقه قرار می‌دهد که با همکاری‌های چندجانبه و چندجانبه‌گری بین‌المللی، خود را از زیر بار استعمار و امپریالیسم آمریکایی و غربی که قرن‌هاست کشورهای منطقه را درگیر خود کرده، نجات دهند. این نوع تفکر بدین معنی است که کشورهای منطقه از نظر امنیتی باید به دنبال ایجاد امنیت در داخل محیط منطقه‌ای خود با کمک گرفتن از ابزار گفت‌وگو مستقیم بین دولت‌ها و در عین حال همکاری منطقه‌ای برای مواجهه با این نظم جدید باشند. رها شدن از شر نیروهای بیگانه‌گری که برای منطقه و کشورهاش تصمیم‌گیری می‌کنند و امنیت در کدام راه به امنیت منافع خود در دنیا و منطقه گره می‌زنند، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های رفتار کشورها در مقابل نظم جدید جهانی باید باشد.

واژه کلیدی متون سخنرانی تعداد زیادی از کارشناسان روابط خارجی کشورهای منطقه بود. برخی مانند نماینده یک اندیشکده کویتی، بر این عقیده بودند امنیت در منطقه را باید در ۳ سطح «امنیت داخلی کشورها با برقراری دموکراسی»، «امنیت منطقه‌ای کشورها در تعامل با همسایگان‌شان» و «امنیت دیکته‌شده از سوی کشورهای غربی» دانست که اگر چه مورد اول می‌تواند بر قدرت کشورها و هم‌افزایی‌شان

نشانه اکان: سومین اجلاس گفت‌وگوی تهران با موضوع گفت‌وگوهای منطقه‌ای در بین همسایگان ایران، روز گذشته با حضور وزیر امور خارجه و مشاور عالی رهبر معظم انقلاب در امور خارجی برگزار شد. در این اجلاس جز مسوولان سیاست خارجی کشورهای منطقه، روسای اندیشکده‌های روابط خارجی در این کشورها گرد هم آمدند تا درباره وضعیت امنیتی آینده منطقه با یکدیگر به بحث و گفت‌وگو بنشینند. غیر از مواضع رسمی حسین عبداللهیان و کمال خرازی، وزیر امور خارجه و مشاور روابط خارجی، رسانه‌ها که بازتاب زیادی در رسانه‌های داخلی و خارجی داشت، یکی از مهم‌ترین بن‌های این اجلاس، پتل «بازاندیشی امنیت در منطقه غرب آسیا و خلیج فارس» بود که با استقبال زیاد میهمانان خارجی برگزار شد. نکته جالب توجه در این نشست و در سخنرانی تمام مدعوان که از چهره‌های آکادمیک کشورهای منطقه هستند، توجه این کشورها و دغدغه‌شان نسبت به «نظم جدید جهانی» بود. شاید محققان روابط بین‌الملل و رسانه‌ها در ایران بر این عقیده باشند مباحث مربوط به افول آمریکا، ایجاد نظم جدید جهانی و تلاش کشورها برای بازآفرینی نقش خود در جهان جدید، مسائلی ایرانی می‌شود اما نگاهی به سخنرانی مدعوان این نشست نشان می‌دهد این دگرگونی‌های جهانی، اتفاقاً موضوع تجاری و رقابت‌های اقتصادی ایالات متحده با چین که اوکراین و صفا‌ارایی جبهه غرب در مقابل روسیه، جنگ تجاری و رقابت‌های اقتصادی ایالات متحده با چین که احتمالاً تا مرز درگیری نظامی نیز پیش برود و در عین حال سیاست «نگاه به شرق» از مهم‌ترین مولفه‌های نظم جدید جهانی بر پایه یک نظام چند قطبی خواهد بود. سخنرانان از عراق و کویت و قطر گرفته تا تاتیوی

دیدگاه

«قطر گیت» نشانه بالینی فلاکت دیپلماتیک اتحادیه اروپایی وقتی قطر هم جلوی اروپا بزرگی می‌کند!

شروین طاهری: بحران «قطر گیت» هر چه بیشتر اروپا را در عمق سیاست‌های تحمیلی آمریکا فرو می‌برد و در همان حال به جای ایجاد محدودیت برای دوحه، زمینه فقر تنمایی جهانی هر چه بیشتر قطر کوچک را فراهم آورده است.

حالا کار به جایی رسیده که این امیرنشین کوچک خلیج فارس با کمتر از ۳ میلیون نفر جمعیت - که تنها ۱۰ درصد آن شهروندان قطر محسوب می‌شوند - برای اتحادیه ۵۰۸ میلیون نفری اروپایی خط و نشان می‌کشد. این در شرایطی است که بحران به وجود آمده در نتیجه رشوه‌گیری مقامات ارشد اتحادیه اروپایی از قطری‌ها، درست در آستانه فصل زمستان ممکن است باعث قطع جریان انرژی از این شیخ‌نشین به قاره یخ‌زده آن هم در بیهوده بحران انرژی اروپا شود؛ در روزهایی که آلمان و فرانسه، ۲ پیشاهنگ اتحادیه با آشکارا بحران تأمین انرژی و تبعات اقتصادی آن دست و پنجه نرم می‌کنند. به گزارش بلومبرگ، فرانسه زمستان آسفال راکتور هسته‌ای توسط EDF - اپراتور ملی شبکه الکتریسیته - با وابستگی بیشتر به سوخت‌های فسیلی و خطر بیشتری برای کمبود برق مواجه است. ژرمن‌ها هم در صورت عدم دستیابی به یک منبع گاز ارزان از طریق قرارداد ۱۵ ساله با قطر، ظرف همین زمستان به سرعت مزیت‌های صنعتی خود را از دست خواهند داد. به عبارت دیگر اروپایی‌ها بدون درس گرفتن از اشتباهات گذشته، با ادامه روند سیاست خارجی وابسته و غیرمستقل خود، در حال ادامه نمایش دیپلماتیک احمقانه‌ای هستند که بر اساس آن بار دیگر پس از جنگ اوکراین، با فدا کردن منافع حیاتی خود در قبال یک قطب تولید انرژی جهان به نفع دیپلماسی نمایشی‌شان، باز هم در حال شلیک کردن به پای خود هستند. به نظر می‌رسد برپا شدن غائله «قطر گیت» و تیره شدن ناگهانی روابط بروکسل با دوحه، درست در روزهایی که نخستین میزبان عرب جام جهانی نام خود را به بهترین شکل پوست خربزه دیگری زیر پای اتحادیه باشد که می‌تواند برندگان متعددی داشته باشد؛ آمریکا که در حال تلاش برای تبدیل خود به مهم‌ترین منبع تأمین گاز اروپا پس از قطع عمده گاز صادراتی روسیه است، بریتانیا که از فقدان روابط دیپلماتیک میان دوحه و بروکسل در جهت جذب هر چه بیشتر گاز و دلارهای گازی قطری‌ها بهره می‌برد، ...